

متهمان «دبش» کجا ی‌ند؟

فسادي که متغيرهاي کلان اقتصادي ايران را به هم زد

در اين فساد بزرگ، طيف گسترده‌اي از مديران دولتي وجود داشته‌اند که نام آنها هنوز منتشر نشده است

گروه اقتصادي

با گذشت يك هفته از افشاي پرونده فساد در واردات چاي توسط گروه «دبش»، فراتر از اظهارات مسوولان دولتي درباره «کشف به موقع» اين فساد بزرگ و جلوگیری از آن، اطلاع‌رسانی دیگری نشده است. گفته میشود که 60 نفر از مسوولان سابق دولت سیزدهم در شکل‌گیری این پرونده دست داشته‌اند و جالب اینکه رییس قوه قضایه می‌گوید این افراد به مقام قضایی معرفی نشده‌اند. آن هم در حالی که مسوولان رده بالایی دولتی بارها در اظهارات اخیر خود طی يك هفته گذشته بر لزوم برخورد با فساد اقتصادي تاکید کرده‌اند و مشخص نیست در عرصه عمل این حرفها قرار است چگونه اجرا شود.

تاکنون جزییاتی از میزان ارز تخصیص‌یافته به این گروه صنعتي منتشر نشده، اما خبرنگار اعتماد به ارقام تخصیص یافته ارز با نرخ ترجیحي دست یافته که نشان می‌دهد همزمان با اوج‌گیری ناآرامیها در نیمه دوم سال گذشته، بالاترین سطح تخصیص ارز با نرخ نیمایی به این گروه صورت گرفته است.

بنا بر جدول به دست آمده، این گروه در سال 1397 برای واردات چاي و ماشین آلات 163.7 میلیون دلار با نرخ 4200 تومان دریافت کرده، اما از سال 1398 نرخ ارز ترجیحي به دلیل فاصله بالای آن با نرخ بازار آزاد دچار اصلاحاتی شد. با این اصلاحات، تامین ارز با نرخ

حواله سامانه نیما انجام شد که شروع به کار آن با نرخ 13600 تومانی بود و در پایان سال گذشته به 36600 تومان افزایش پیدا کرد.

در جدول پیوست مشخص است که میزان ارز اختصاص یافته به گروه صنعتی دبش طی سالهای 1397 تا 1399 در یک منحنی نزولی رفتار کرده و سرجمع ارز تخصیصی از حدود 164 میلیون دلار در سال 97 به 22 میلیون دلار در سال 99 کاهش پیدا کرده است.

در این 5 سال، فاصله نرخ ارز سامانه نیما با نرخ ارز بازار آزاد همواره رو به افزایش بوده و گروه صنعتی دبش از این اختلاف قیمت بین دو نرخ، نهایت استفاده را کرده است. اما اوج کار «دبش» در سال گذشته بوده است. یعنی همزمان با اوجگیری ناآرامیهای اجتماعی در ایران و بیشتر شدن فاصله نرخ ارز نیمایی با نرخ ارز بازار آزاد که حتی به 15 هزار تومان نیز رسید.

در سال گذشته، 2.3 میلیارد دلار در مجموع برای واردات چای و ماشین آلات مرتبط با آن به گروه «دبش» ارز با نرخ سامانه نیما اختصاص داده شده است. در این باره تخمین زده میشود که رقم ریالی فاصله میان نرخ ارز ترجیحی با نرخ ارز بازار آزاد دستکم به 70 هزار میلیارد تومان برسد. به هر حال بانک مرکزی به عنوان متولی تامین ارز، باید ارز مورد نیاز را از بازار آزاد و با قیمت‌های بالایی تامین کند و با قیمت‌های یارانه‌ای و پایین‌تر به واردکننده اختصاص دهد تا به گونه‌ای غیرمستقیم این «یارانه» به «مصرف‌کننده» برسد. اما سوال این است که بانک مرکزی به عنوان مرجع تخصیص ارز، این پول را از کجا تامین کرده است؟

البته در این فساد بزرگ، طیف گسترده‌ای از مدیران دولتی وجود داشته‌اند که نام آنها هنوز منتشر نشده است. سازمان غذا و دارو و سازمان ملی استاندارد (اولی زیر نظر وزارت بهداشت و دومی زیر نظر رییس‌جمهور) و حتی مسوولان گمرک نخستین دستگاه‌هایی هستند که انتظار پاسخگویی از آنها میرود.

مطابق اطلاعات موجود، گروه دبش، چای سنوآتی و عمدتاً متعلق به یک دهه پیش را در فرآیند صادرات به قیمت کمتر از 1.5 دلار به کنیا فرستاده و پس از اختلاط آن با چای کنیایی و البته انواع اسانس، دوباره به نام چای دارجلینگ، با متوسط قیمت 11.5 دلار وارد کشور کرده است.

سوال این است که سازمان غذا و دارو به عنوان متولی تشخیص سلامت کالای خوراکی در ایران، چگونه متوجه چنین اتفاقی نشده و اگر متوجه شده چه مدیرانی در این کار دست داشته‌اند؟ آیا این سازمان اصلاً تشخیص نداده که چای وارداتی کیفیت لازم را برای فروش در کشور

ندارد؟ سازمان استاندارد که برای واردات کالا، انواع و اقسام استانداردهای اجباری را تعیین و اجرا میکند و بدون موافقت این سازمان، امکان ترخیص کالا وجود ندارد؛ در این میان چه نقشی را به عهده گرفته و مدیران دخیل در این پرونده کجا هستند؟ گمرک ایران که زیر نظر وزارت اقتصاد فعالیت میکند چگونه اجازه ترخیص کالایی زیانبار برای سلامت جامعه را صادر کرده است؟ آیا صرف گفتن اینکه موضوع فساد در واردات چای و تخصیص میلیاردها دلار به صورت انحصاری به یک شرکت خاص «کمپین رسانه‌ای» است، چیزی را عوض میکند؟

م: : 1402 21